

رنج نامه

منبع: شبکه جهانی کلمه

مهر ۹۲

فراست شریعتی

به نام خداوند بخشنده مهربان

اینجانب فراست شریعتی مادر زندانیان کاوه، عبدالله و آرش شریفی که در زندان رجایی شهر کرج زندانی هستند پسرم کاوه در تاریخ ۲/۷/۱۳۸۸ توسط نیروهای اطلاعات سنندج در منزل خواهرش هنگام اذان صبح دستگیر کردند و تا ۱۲۴ روز هیچ خبری از او نداشتیم بعداً متوجه شدیم که طی این ۱۲۴ روز طی بی‌رحمانه‌ترین شکنجه‌های روحی و جسمی وی را قرار داده‌اند تا جایی ۷۵ بار خونریزی معده کرده و ۴۸ ساعت در بی‌هوشی کامل بوده طوری که دکتر بهداری اطلاعات به بازجوهای وی گفته بودند که احتمال زنده ماندن کاوه خیلی پایین است در مدت بازداشت کاوه به هر دری زدم همراه با شوهرم از دادستانی سنندج، ما را پاس می‌دادند به اطلاعات و از اطلاعات به شعبه ۴ به آقای مبارکی که تمامی پرونده سازی این زندانیان رجایی شهر زیر دست همین آقای مبارکی است.

تا این که کاوه را همراه با چند بازداشتی دیگر به زندان اوین انتقال دادند هر بار به ملاقات کاوه می‌رفتم افراد خیر شهر خرج و مخارج من و خانواده‌ام را متقبل می‌شدند تا اینکه در تاریخ ۲۷/۰۴/۹۰ عبدالله دیگر پسر را هم در مغازه خودش بازداشت کردند و وقتی آرش پسر کوچکترم دنبال او رفت که چرا او را بازداشت کرده‌اند آرش را همان تاریخ بازداشت کردند من که خود ۶۳ سال دارم همراه با شوهرم که ۷۵ سال سن داشت همه ارگان‌های دولتی مربوط به پرونده آنها را پی‌گیری کردیم بدون این که جوابی به ما بدهند و حتی دلیل بازداشت پسرانم را بگویند. کاوه متولد ۱۳۶۳ عبدالله متولد ۱۳۶۶ و آرش متولد ۱۳۶۹ هستند و عبدالله و آرش تازه ازدواج کرده بودند حال هر سه پسر در زندان رجایی شهر کرج زندانی هستند شوهرم بعد از این همه در به دری و هر جا رفتن دنبال پرونده پسرهایمان و نتیجه نگرفتن در تاریخ ۲۸/۸/۹۱ پارسال سرطان گرفت و بعد از ۵۷ روز در بستر بیماری فوت کرد با این که در طول این ۵۷ روز نتوانست حتی یک جرعه آب بخورد تا آخرین لحظه حیاتش مرتب اسم فرزندانمان را به لب می‌آورد و در حالی چشم از این جهان بست که می‌گفت: خدایا در اواخر عمرم پسرانم را از من گرفتند و دیدار با آنها را از تو در آن دنیا طلب می‌کنم. حال می‌خواهم از مادر سه زندانی بیگناه بگویم که در این مدت چشم به در دوخته تا شاید پسران خود را قبل از مرگم برای یکبار هم که شده در خانه خودم ملاقات کنم و غیر از هیچ آرزویی نداشتیم تا این که حکم اعدام کاوه و آرش را برایم آوردند و عبدالله را هم به تحمل ۱۰ سال زندان و تبعید در زندان رجایی شهر کرج محکوم کردند.

الآن هم کارم شده دعا کردن به درگاه خداوند متعال که فرزندانم را از زندان بعد از این همه سال آزاد کند. تنها جرم فرزندانم ایمان به خدا و مسلمان و سنی بودن و دفاع از عقیده و باورشان بوده است و از او طلب صبر را برای خودم و تمامی ۱۴۰ خانواده دیگر در زندان رجایی شهر کرج دارم و از تمامی سازمانها و نهادهای حقوق بشری و سازمان ملل متحد می‌خواهم که جلو اعدام فرزندانم را بگیرند و از هر کس یا کسانی که می‌توانند قدمی در این راه بردارند تقاضا می‌کنم این مادر پیر و بیمار و دل شکسته را یاری کنند و از مقامات قضایی و اجرایی جمهوری اسلامی ایران می‌خواهم جلو اعدام این جوانان را بگیرند و بررسی مجدد پرونده این زندانیان را طبق معیارهای اسلامی و قانون اساسی ایران پی‌گیری کنند و یکبار برای همیشه اتحاد بین اهل سنت و برادران و خواهران تشیعمان را به تمامی دنیا ثابت کنند.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

مادر زندانیان ماموستا کاوه - آرش و عبدالله شریفی